

به مناسبت دومین سالروز مرگ ژینا مهسا امینی و □□ □□□□ □□□□□□ □□□□□□



اعلامیه مشترک دو نهاد جمهوریخواه دموکرات و لائیک ایران

دو سال پیش، در ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ (۱۶ سپتامبر ۲۰۲۲)، ژینا مهسا امینی، دختری ۱۸ ساله، همراه با برادرش برای دیدار فامیل، از سقز به تهران سفر می‌کند. او توسط پلیس ارشاد اسلامی در بزرگراه حقانی به دلیل "بدحجابی" بازداشت می‌شود. زیر فشار روانی یا ضربات ماموران امنیتی، در حالت کُما به بیمارستان کسری، نزدیکترین مرکز درمانی به بازداشتگاه، منتقل می‌شود و چندی بعد جان خود را از دست می‌دهد. از همان نخستین ساعات پخش خبر مرگ ژینا مهسا امینی، موجی از اعتراضات خیابانی و مردمی سراسر کشور را فرا می‌گیرد. جنبش بزرگ، تاریخی و بی‌سابقه □□ □□□□ □□□□□□ از این لحظه آغاز می‌شود و طی چندین ماه ایران و جهان را تکان می‌دهد.

خیزش انقلابی ۱۴۰۱، با این که ادامه □ جنبشهای بزرگ اجتماعی و

اعتراضی پیشین در طول حیات جمهوری اسلامی ایران بود، اما برخوردار از سرشتی دیگر بود. دو ویژگی ممتاز، آن را از جنبش‌های پیشین در ایران متمایز می‌کرد. یکی، ماهیت غیردینی و ضد دین‌سالاری آن و در نتیجه خصلت کاملاً ضد رژیم آن بود. دیگری نقش برجسته زنان و جوانان آزادی‌خواه و رهایی‌خواه در این قیام مردمی بود. در ۱۳۵۷، خواست اصلی معترضان رهایی از سلطه و تبعیض، خلاصی از زن‌ستیزی حکومت اسلامی، از جمله حجاب اجباری، و به طور کلی نابودی نظام مبتنی بر قوانین دینی و شرعی بود. در این حرکت نوین بی‌سابقه، مطالبات اقتصادی، صنفی و مدنی، در پرتو یک خواست عمده و بنیادین قرار گرفتند: پایان‌بخشیدن به عمر طولانی دیکتاتوری، دین‌سالاری و دست‌یافتن به یک زندگی آزاد و دموکراتیک در برابری. خواستی که در شعار «آزادی، مساوات، عدالت» چون پرچم نمادین جنبش تجلی یافت.

جنبش زن‌زندگی آزادی از پیش سازماندهی و برنامه‌ریزی نشده بود. در روند مستقل و متکی به خود دارای تشکیلات و رهبری توسط گروهی یا سازمانی خاص نبود. این جنبش، با این که در فرایند حرکت و گسترش خود، به گونه‌ای خودجوش، خودمحور و خودمختار عمل می‌کرد، اما توانست شکل‌ها و شیوه‌هایی از هماهنگی جنینی، افقی و محلی میان خود به وجود آورد. این همه، به رغم سرکوبی بی‌سابقه که در جریان آن بیش از ۵۰۰ معترض خیابانی کشته شدند، بیش از ۱۴ هزار تن دستگیر گردیدند، هزاران معترض به زندان افتادند، چند صد نفر اعدام شدند و ده‌ها تن محکوم به اعدام شدند.

از جمله درس‌های مهم این جنبش برای ما این است که کنشگران آزادی‌خواه ایران موظفانند، همراه با شعارها و خواست‌های سیاسی و اجتماعی نفی‌گرا و سلبی، شعارها و خواست‌های سیاسی - اجتماعی ایجابی و اثباتی خود را برای خروج از اوضاع کنونی مطرح کنند. مبارزه در چهارچوب شعارهایی چون «نه به دیکتاتوری»، «نه به جمهوری اسلامی»... اگر همراه و همزاد با طرح‌های جایگزین، آشکار و ایجابی در راستای جمهوری، دموکراسی و جدایی دولت و دین نباشد، یعنی در تقابل با جمهوری اسلامی و دیگر آلترناتیوهای ارتجاعی و اقتدارگرا قرار نگیرد، تغییری اساسی در اوضاع نابسامان ایران به وجود نخواهد آورد. از این رو، درس‌گیری از آزمون بزرگ «آزادی، مساوات، عدالت»، از قوت‌ها، ضعف‌ها و کمبودهای آن، برای مبارزات جاری و آینده، دارای اهمیت به‌سزایی است.

ما امروز شاهد آنیم که اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران،

در طی دو سالی که از خیزش ۱۴۰۱ می‌گذرد، باز هم بد و بدتر شده است. سیاست‌های داخلی تخریب‌کننده و ضدبشری حاکمان و جناح‌های ارتجاعی آن به شدت همچنان ادامه دارند. نظامی‌گری، اقتدارگرایی اسلامی و سیادت طلبی جمهوری اسلامی در خاورمیانه (از یمن جنوبی تا سوریه و لبنان) و ماجراجویی‌اش در هسته‌ای کردن ایران، به همان سان تشدید شده‌اند. مضحکه‌های ضد دموکراتیک انتخاباتی رژیم، یکی پس از دیگری، با همکاری شرم‌آور اصلاح‌طلبان دیروز، ادامه دارند اما بیش از پیش با مخالفت و تحریم اکثریت عظیم مردم ایران روبرو می‌شوند. سرکوب‌ها، دستگیری‌ها، اعدام‌ها، تبعیض‌ها و نابرابری‌ها در همه‌ی سطوح تشدید و گسترش یافته‌اند. براساس گزارش سازمان‌های حقوق بشری، در سال گذشته ۸۲۹ نفر در ایران اعدام شده‌اند که بالاترین رقم در جهان به نسبت جمعیت کشور است. ارقام دهشتناک سرکوب، اذیت و آزار زنان، جوانان، اقلیت‌های مختلف قومی/ملی، بهائیان... همچنان با شدت بیشتر ادامه دارند. در یک کلام، هیچ تحول یا رفرمی در جهت بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی مردم ایران و گذار به سوی آزادی، دموکراسی در کشور ما، در چهارچوب حفظ نظام دیکتاتوری اسلامی کنونی آن، امکان‌پذیر نیست.

ما به مناسبت دومین سالروز مرگ دلخراش ژینا مهسا امینی و برآمدن بزرگ‌ترین، رادیکال‌ترین و طولانی‌ترین جنبش ضد رژیم در طول حیات جمهوری اسلامی ایران تا کنون، کنشگران اجتماعی و سیاسی داخل و خارج کشور را به پیگیری راه **دولت مردمی** **مبارزات مردمی** برای سرنگونی نظام اسلامی و ضدبشری حاکم بر کشورمان فرا می‌خوانیم. ما از همه‌ی باورمندان به جمهوری، دموکراسی و جدایی دولت و دین (لائسیته/سکولاریسم) در ایران، دعوت می‌کنیم که این سالروز را در هر جا که هستند، در داخل یا خارج از کشور، تبدیل به روز جهانی همبستگی با مبارزات مردم و جنبش‌های اجتماعی در ایران علیه نظام جمهوری اسلامی کنند. ما، به نوبه‌ی خود، در همه‌ی فعالیت‌ها و کارزارهایی که بدین مناسبت و در راستای جمهوری، دموکراسی و جدایی دولت و دین در ایران انجام گیرند، مشارکت و همکاری خواهیم کرد.

جنبش جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک ایران

حزب جمهوری‌خواه سوسیال دموکرات و لائیک ایران (عضو)

جبهه ملی ایران)

11 سپتامبر ۲۰۲۴ - 21 شهریور ۱۴۰۳

Parti
Républicain
Social-
Démocrate
et Laïc d'Iran
(PRSDLI)



حزب
جمهوریخواه
سوسیال دموکرات
ولائیک ایران



به مناسبت سالروز مهسا (ژینا) بیانیه جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران



خیزش انقلابی □□□□□□ □□□□□□ □□□□□□ که در اعتراض به کشته شدن مهسا (ژینا) امینی توسط گشت ارشاد جمهوری اسلامی شروع شد، روز ۲۵ شهریور (۱۶ سپتامبر) یکساله می‌شود و همراه خود خاطره هزاران تن از مبارزینی که زندگی خود را چه در ۴۴ سال گذشته و چه در طول جنبش مهسا برای کسب دموکراسی در ایران از دست دادند زنده می‌سازد.

خروشی که با نام مهسا آغاز شد نه تنها دولت مستبد مذهبی، اقتدارگرا و تجددستیز را بیش از گذشته از اعتبار اجتماعی ساقط کرد، بلکه حوزه‌های اعتقادی شان را هم صریحا و مصرانه به چالش کشید، آنگونه که امروز حتی خودی‌هایی از میان این تجدد ستیزان، مانند اصلاح طلبان، را به جمع شکاکین و چالش‌گران کشانده است و از هر خانه‌ای صدایی مهسا مانند بگوش می‌رسد؛ صدایی که نه پوشاندنی است و نه خاموش شدنی.

رهایی از فشار و سلطه و تبعیض دینی و اتنیکی، به ویژه نسبت به زنان، جوانان و اقلیت‌های قومی، برای یک زندگی در آزادی، از خواسته‌های اصلی "جنبش زن، زندگی، آزادی" بوده و هست.

با وجود این، باید از تورم لجام گسیخته، بی ارزش شدن پول ملی و بیکاری که کمر مردم را زیر بار گرانی و نداری خم کرده و نرخ بالای تورم که اقتصاد کشور را در سراشیب سقوط قرار داده است هم به عنوان عوامل مهم نارضایتی مردم نام برد.

گسترش و شدت اعتراضات، رادیکال بودن خواسته‌های معترضین در خیابان‌ها که به کمتر از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی راضی نبودند، و یا دادن شعارهای رادیکال از پنجره خانه‌ها در ساعات شب که نوک و مرکز قدرت را نشان گرفته بود، باعث استیصال دولت و نیروی‌های سرکوبگر آن شده و رژیم بیش از هر زمان به سرنگونی و سقوط نزدیک شده بود.

صدها کشته، هزاران زخمی و به بند کشیدن بیش از

بیست هزار نفر، نتیجه خشونت لجام گسیخته نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی می باشد.

امروزه اگر چه اعتراضات خیابانی فرو کش کرده، اما به رغم تمام سرکوبها، مبارزات مردم بویژه زنان و جوانان ادامه دارد. دختران و زنان با نافرمانی مدنی در مورد حجاب اجباری هرروز در حال مبارزه و به تمسخر گرفتن قوانین زن ستیز حجاب جمهوری هستند.

وظیفه اپوزیسیون جمهوریخواه، دموکرات و لائیک در خارج از کشور، پشتیبانی از جنبش انقلابی داخل و گسترش همبستگی بینالمللی با آن و تلاش برای ایزوله کردن هر چه بیشتر رژیم جمهوری اسلامی در جهان است.

جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران از تمام حرکت‌های اعتراضی روز ۱۶ سپتامبر، سالروز قتل ژینا، پشتیبانی و حمایت می‌کند و در راستای سنت‌های خود، خواهان همکاری و همگرایی با روندهای جمهوریخواه در خارج از کشور بوده و هست. این امر، به ویژه امروز، در شرایطی که جریان‌های اقتدارگرا و غیردموکرات، از طیف‌های مختلف سیاسی، با مشاهده برآمدن خیزش انقلابی در داخل کشور و احتمال فروپاشی نزدیک رژیم، سخت به تکاپو برای طرح شعارها و آترناتیوهای خود افتاده‌اند، بیش از همه ضروری و مبرم می‌گردد.

زن، زندگی، آزادی

جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران

9 سپتامبر ۲۰۲۳ - 18 شهریور 1402



جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

در محکومیت بازداشت‌های اخیر در گیلان



بیانیه‌ی جمعی از کنشگران مدنی و
فعالان حقوق زنان

در آستانه سالگرد کشته شدن ژینا امینی، فشارها بر فعالین مدنی و خانواده‌های دادخواه در سراسر کشور افزایش پیدا کرده است. تهدید، احضار و بازداشت اعضای خانواده جانباختگان خیزش ژینا در روزهای

اخیر، حاکی از آن است که حاکمیت تمامی ابزارهای سرکوبگری خود را در جهت جلوگیری از برگزاری مراسم برای جان‌های عزیز از دست رفته و ممانعت از گرامیداشت یاد و نام آنها در خانه‌ها و خیابان‌ها به کار گرفته است.

از طرف دیگر، علیرغم تبلیغات گسترده پیرامون «عفو عمومی»، پرونده‌سازی‌ها و صدور و تایید احکام حبس طولانی‌مدت و اجرای احکام برای تعدادی از بازداشت‌شدگان خیزش ژینا به طور بی‌وقفه ادامه دارد. نیروهای امنیتی در سراسر کشور با یورش به منازل فعالان سیاسی و مدنی که با شکستن در خانه، تفتیش و ضبط لوازم الکترونیکی همراه بوده است، سناریوسازی‌های خود را پیش برده‌اند.

بازداشت جمعی از فعالان حقوق زنان و فعالین سیاسی در گیلان (متین یزدانی، جلوه جواهری، شیوا شاه‌سیاه، نگین رضایی، زهره و زهرا دادرسی، یاسمین حشدری، فروغ سمیع‌نیا، آزاده چاوشیان، واحده خوشسیرت، سارا جهانی و هومن طاهری) و تکرار سناریوهای بی‌اعتبار درباره آنها توسط وزارت اطلاعات و رسانه‌های وابسته به نهادهای امنیتی، از جمله فشارهای اخیر بر فعالان مدنی است که به وضوح از هراس نزدیک شدن به سالگرد خیزش ژینا نشات می‌گیرد و با هدف انتقام‌جویی علیه خیزش درون‌زای «زن، زندگی، آزادی» ادامه دارد. طی این مدت، تنها «واحده خوشسیرت» و «نگین رضایی» با تودیع قرار وثیقه به‌صورت موقت آزاد شدند و دیگر بازداشت‌شدگان، کماکان در بند نیروهای امنیتی هستند.

خانواده‌های بازداشت‌شدگان گیلان تا چندین روز از محل نگهداری آنها بی‌خبر و سرگردان و بلا تکلیف نگه داشته شده بودند. وزارت اطلاعات، در اطلاعیه‌ای در حالی مدعی شد «دو نفر از سرکردگان این تیم تشکیلاتی در دوره‌های براندازی نرم که توسط سرویس‌های اطلاعاتی دشمن در خارج از کشور برگزار شده‌اند آموزش دیده‌اند» که این افراد سوابق روشن و

شفافی در حوزه کنشگری فمینیستی مستقل دارند و نام‌هایی شناخته‌شده در میان جامعه مدنی ایران هستند.

اگرچه فشار وارده بر کنشگران اجتماعی زخم جدیدی بر تن جمعی فعالان برابری جنسیتی است اما، همان‌طور که بازداشت‌ها و کشتار گسترده پس از آغاز خیزش، موجب عقب‌نشینی مردم و بویژه زنان از خواسته‌هایشان نشد، بدیهی است که پرونده‌سازی‌های جدید نیز جوش و خروشی را که به نام ژینا برپا شده، خاموش نخواهد کرد.

ما جمعی از کنشگران مدنی و فعالان حقوق زنان این روند را محکوم می‌کنیم و خواستار توقف پرونده‌سازی و سناریوبافی و آزادی بی‌قید و شرط تمامی فعالان بازداشت‌شده هستیم. ما اعلام می‌کنیم که تا روز رهایی، آن‌ها را نام می‌بریم و صدایشان هستیم.

اسامی امضاکنندگان:

آتنا کامل آذین - رضایان - آزاده اکبری - آزاده بیزارگیتی - آزاده خرازی - آزاده صادقی - آزاده گنجه - آسیه امینی - آمنه رضایی - آناهیتا حسینی - آیدا جودکی - آیدا سعادت - آیدا قجر - احترام شادفر - اسماعیل مهرانفر - افروز مغزی - الناز انصاری - الهام صالحی - الهه اجباری - امید ایرانمهر - الهه بیننده - ایمان گنجی - باربد گلشیری - بریحه مسرور - بنفشه جمالی - بنفشه رنجی - بهار آزادی - بهشاد تجمّل - بهناز بهدار - پARMیدا عطاری - پرستو اله یاری - پرستو بیرانوند - پرستو فروهر - پروین اردلان - پروین ضرابی - پریسا سردشتی - پگاه شیرکوند - پویا خازنی اسکویی - ترانه علیدوستی - ترمه کشمیری - تیبا بنیاد - حامد داوری - حانیه متحیر - حسین پرهیزگار - حمیدرضا واشقانی فراهانی - حوریه فرج‌زاده طارانی - خدیجه مقدم - داراب شباهنگ - دلارام علی - دلشاد مرصوص - دنیا راد - دینا قالیباف - رضوان مقدم - رها عسکری‌زاده - رهام سبحانی - روجا فضائی - روزبه سیدی - روژین موکریان - روشنگ روزبھانی - ریحان ریحانی - ریحانه سعیدی - ریحانه طراوتی - زرین جوادی -

زمان مسعودی - زهرا اشعری - زهره رجبی - زینب پیغمبرزاده - ژیلا بنی‌یعقوب - ژیلا مکوندی - ژینوس تقی‌زاده - سارا حسینی - سارا سیاه‌پور - سارا کرمانیان - سارا نوری - سبا افقه - سبا معمار - سپیده ابطحی - سپیده احمدخانی - سپیده جدیری - سپید قائمی - ستاره سجادی - ستاره عزت‌آبادی - سحر سلحشور - سحر مصیبی - سعیده حسنی - سما اوریاد - سمانه اصغری - سمانه سوادی - سمانه عابدینی - سمن حاجی محمد - سمیرا حاتمی - سمیه رستم‌پور - سمیه رشیدی - سمیه قدوسی - سهراب مختاری - سهند سعادت‌مندی - سودابه رخس - سوزان کریمی - سمیرا راهی - سوسن طهماسبی - سیمین فروهر - شب‌نم مقدسی - شکوفه دزفولی - شہلا انتصاری - شہلا خاوری - شہناز اکملی - شیرین برق‌نورد - شیرین کریمی - شیما قوشه - شیوا شریف‌زاد - شیوا نظرآهاری - صبا آل‌الہ - صبا شعر دوست - صبرا رضایی - ضیاء نبوی - طلعت تقی‌نیا - طنین عصفوری - عالیہ مطلب‌زادہ - عباس شہرابی فراہانی - عسل عباسیان - عشا مومنی - علی غلامی - علیرضا بہنام - علی سالم - علی ندیمی - غنچہ قوامی - فائزہ دائمی - فائزہ میرحسینی - فاتیمہ باباخانی - فاطمہ حسین‌زادہ - فاطمہ شمس - فاطمہ صدق‌زادہ - فاطمہ قریبی - فاطمہ مہدوی - فاطمہ یزدانی - فاطمہ کریمی - فخری شادفر - فرزاد نیک‌آئین - فرزانه ناظران‌پور - فرزانه راجی - فرشته حبیبی - فرشته طوسی - فرنگیس موسوی - فروزان فراہانی - فریبا وفی - فضی کوثری - فہیمہ خضر حیدری - فیروزہ مہاجر - کامران صداقتی - کامنوش خسروانی - کاوہ کرمانشاهی - کتایون برزگر - کریم محمدی - کژال اللہیاری - کسری چلبی - کوثر رحیم‌زادہ - کیانا کریمی - گلارہ عباسی - گلالہ بہرامی - گلچہر حمیدی‌منش - لالہ ابر - لعیا ہوشیاری - لیلا اسدی - مائدہ دلبری - ماریا عبدی - مانیا اکبری - محبوبہ ابراہیمی - محبوبہ حسین‌زادہ - محبوبہ عباسقلی‌زادہ - محدثہ زارع - محدثہ فاطمی - محسن حکیمی - محمدکریم آسایش - مرضیہ امیری - مریم اشرافی - مریم اکبرپور - مریم ایمانی - مریم پالیزبان - مریم جوادی - مریم رحمانی - مریم رضایی - مریم زندی - مریم فتحی - مریم فومنی - مریم کریم‌بیگی - مریم لشکری - مریم میرزانژاد - مژگان تقی‌نیا - ملی جعفری - ملیحہ ریاضی - ملیکا امین توکلی - منصورہ شجاعی - منیرہ سادات علوی - منیژہ موذن - مہتاب سعادت‌مندی - مہتاب محبؤب - مہتاب محمودی - مہدی یوسفی - مہدیہ گلو - مہسا اسدالہ‌نژاد - مہسا طالبی - مہسا غلامعلی‌زادہ - مہناز پراکند - مہناز محمدی - مونا تجلی - میترا ابراہیمی - میلاد پورعیسی - مینا جعفری‌ثابت - مینا کشاورز - مینا محمودیان - مینو مومنی - نازلی کاموری - نجمہ واحدی - ندا

هوشنگ - نزهت بادی - نسترن جنیدی - نسترن صارمی - نسیم
روشنایی - نسیم سلطان بیگی - نعیمه دوستدار - نفیسه ملکی جو -
نگین شیخ الاسلامی وطنی - نگین شیرآقایی - نگین صنیعی - نورا
شفیعزاده - نوشین احمدی خراسانی - نوشین دادور - نوشین
کشاورزنی - نیره توحیدی - نیلوفر فولادی - نیلوفر هومن - نیما
مختاریان - نینا وباب - هاله میرمیری - هدا امینیان - هدی امین
- هستی امیری - هنگامه هویدا - هیرش خیرآبادی - یگانه خویی

برگرفته از سایت اخبار روز

شنبه، ۴ شهریور ۱۴۰۲

ویژگی‌ها و درس‌های خیزش انقلابی
1401



در حیات 44 ساله جمهوری اسلامی ایران، خیزش معروف به زن زندگی آزادی رخداد سیاسی- اجتماعی بزرگ و بیسابقه‌ای بود. سه ویژگی و سه درس اصلی آن را از دید خود بیان می‌کنیم.



ویژگی اول: خیزش خودجوش، مردمی و انقلابی.

خیزش خودانگیخته بود. دسته‌ای، حزبی، جریانی یا قدرتی، نه در داخل کشور و نه از خارج، آن را به وجود نیاورده بود. رهبری یا هدایت نمی‌کرد. از پیش سازماندهی یا برنامه‌ریزی نکرده بود. تئوری یا ایدئولوژی خاصی، جز امر آزادی، راه‌نمای این جنبش نبود. این خیزش تنها از درون خود نیروی مادی و معنوی می‌گرفت. این جنبش در روند مستقل خود موفق به تشکلیابی نشد. اما توانست، با وجود سرکوب و

ترور، شکل‌ها و شیوه‌هایی از هماهنگی، پیوند و سازمان‌دهی میان خود ایجاد کند. به گونه‌ای خودجوش، خودمحور و خودمختار. به صورت جنینی، موقتی، موضعی، افقی و محلی.

خیزش از سوی دیگر مردمی بود. زیرا نیروی اصلی آن را جوانان و نوجوانان، به‌ویژه دختران و زنان، شکل می‌دادند. اینان امروز نزدیک به نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. قیام‌کنندگان برخاسته از اقشار و طبقات مختلف بودند. از اتنی‌های مختلف ایران. از شهرها و شهرستان‌های بزرگ و کوچک. از سراسر کشور. مردم اما در انبوه خود، به دلایل مختلف، مستقیم یا به میدان نگذاشتند. با این حال، از راه‌ها و با شیوه‌های گوناگون، همبستگی و همسویی خود را با مبارزان خیابانی ابراز نمودند.

خیزش سرانجام انقلابی بود. بدین معنا که خواست برافتادن رژیم جمهوری اسلامی را داشت. رفرمیستی یا اصلاح‌طلب نبود. از نوع جنبش‌های اجتماعی پیشین در دهه‌های 80 و 90 نبود. جنبه‌ی مذهبی به هیچ‌رو نداشت. این خیزش خواستی، تقاضایی و یا مطالبه‌ای از حاکمان و رژیم نداشت. چه معیشتی، چه اقتصادی، چه صنفی و یا سیاسی. این خیزش از دولت افزایش دستمزد و حقوق بازنشستگی نمی‌خواست. مطالبه‌ی حقوق عقب افتاده نمی‌کرد. مطالبه‌ی آب، نان، کار، مسکن و از این دست نداشت. گدایی انتخابات آزاد و رفراندوم نمی‌کرد. این جنبش، انقلابی بود و بس. چون کلیت نظام دیکتاتوری دینی و تبعیض را نمی‌خواست. از ایدئولوژی و مجلس اسلامی‌اش تا قوای اجرایی، قضایی و نیروهای انتظامی‌اش.

ویژگی دوم: خیزشی علیه حجاب اجباری و زن‌ستیزی.

در تمام این سال‌ها، از انقلاب 1357 تا کنون، زنان ایران همواره در صف مقدم مبارزه با تبعیض جنسیتی و زن‌ستیزی یک رژیم تئوکراتیک قرار داشتند. دو پدیدار زن‌ستیزی و دین‌سالاری ویژگی ماهوی نظام حاکم بر ایران را تشکیل می‌دهند. در خیزش 1401،

دختران جوان، با اعتراض به حجاب اجباری، با روسری از سر برداری، دست به نفی شریعت و دین‌سالاری زدند. آن‌ها برابری زن و مرد را اعلام می‌نمودند. عمل روسری‌سوزی آن‌ها در میادین شهر، در ملاً عام، فوق‌العاده جسورانه و بی‌سابقه بود. نه تنها در تاریخ ایران بلکه در تاریخ جهان، از این رو نیز مورد پشتیبانی جهانیان قرار گرفت. با مبارزات خود علیه زن‌ستیزی، زنان ایران در عین حال دست به یک اقدام فمینیستی جهانشمول می‌زدند. یعنی مبارزه برای رهایی زن از سلطه مردسالاری.

ویژگی سوم: خیزش علیه دیکتاتوری و تبعیض، برای آزادی.

خیزش 1401 علیه دیکتاتوری و تبعیض‌های مختلف از جمله بر اتنی‌های مختلف ساکن ایران بود. خیزش برای کسب آزادی و در عین حال دموکراسی بود. با اینکه خواست دموکراسی آشکارا توسط معترضان خیابان اعلام نشد، اما جنبه اصلی آزادی‌خواهی خیزش را تشکیل می‌داد. از سوی دیگر، اقلیت‌های اتنیکی (اقوام یا ملیت‌ها) در ایران، از کردستان تا بلوچستان، در خیزش 1401 شرکتی بسیار فعال داشتند. بسیاری از اینان نیز دستگیر و تعدادی اعدام شدند. خواست‌ها و شعارها همگی در جهت همبستگی و برابر حقوقی مردمان گوناگون در ایران بود. این خود بیان‌گر یکی دیگر از ویژگی‌های خیزش 1401 بود که مساله‌ی تبعیض اتنیکی را مطرح می‌کرد. تبعیض توسط رژیم ترمزگرا که با زندگی آزادانه و برابری انسان‌ها در تفاوت‌های اتنیکی (قومی یا ملیتی)، فرهنگی، زبانی و غیره‌شان دشمنی بنیادی دارد.

با توجه به این ویژگی‌ها، درس‌های اصلی این خیزش را در سه نکته بیان می‌کنم.

درس اول: ضرورت طرح شعارهای ایجابی.

کنشگران آزادی‌خواه ایران موظفانند، همراه با شعارهای سلبی و نفی‌گرا، شعارها و هدف‌های ایجابی و

اثباتی خود را طرح کنند. در مبارزه برای سرنگونی یک نظام، اگر شعارهای سلبی همراه نشوند با طرحی جایگزین، آشکار و ایجابی، تغییری اساسی در اوضاع به وجود نخواهد آمد.

در اوضاع سیاسی- اجتماعی ایرانِ امروز، طرح اثباتیِ مورد نظر ما، هم در برابر جمهوری اسلامی قرار می‌گیرد و هم در مقابل آلترناتیوهای اقتدارگرای دیگر چون طیفی از راست سلطنت‌طلب تا چپ توتالیتار با گذر از جمهوری‌خواهان اقتدارگرا. سه شعار ایجابی جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک در شرایط امروز ایران می‌توانند چنین باشند:

نه به دیکتاتوری، آری به دموکراسی. نه به دین‌سالاری، آری به لائیسیته. نه به پادشاهی، آری به جمهوری.

دموکراسی چون مشارکت مردمان در اداره‌ی امور خود، ممکن نیست مگر با استقرار آزادی‌های گوناگون. آزادی بیان، اندیشه و عقیده. آزادی تشکل، تجمع، حزب و سندیکای مستقل. آزادی مخالفت کردن. آزادی اعتراض، تظاهرات و اعتصاب. آزادی مطبوعات و رسانه‌های مستقل. به طور کلی آن چه که آزادی‌های مدنی می‌نامیم. دموکراسی، در تعریف متعارف آن، یعنی انتخابات آزاد با رای همگانی. وجود مجلس و نهادهای آزاد و مستقل. دموکراسی یعنی پلورالیسم، چندگانگی و پذیرش وجود تعارض و اختلاف در جامعه. با این تعریف، دموکراسی مورد نظر ما با هر گونه مناسبات اقتدارگرا، دیکتاتوری، پادشاهی، فرد سالاری، دین‌سالاری، تک-حزبی و توتالیتار در تضاد قرار می‌گیرد.

لائیسیته چون جدایی دولت (منظور سه قوای قانون‌گذاری، قضائی و اجرائی، که برخی حکومت نامند) و دین، برابری همه‌ی شهروندان مستقل از اعتقادات دینی یا غیر دینی‌شان را تضمین می‌کند. در لائیسیته، دین رسمی وجود ندارد، مذهب و دین امر خصوصی تلقی می‌شوند و هر فرد آزاد است که باورمند

به دین ، بی‌دین یا ضد دین باشد .

جمهوری در مقابل پادشاهی و سلطنت قرار می‌گیرد. در جمهوری، سیاست، دولت، حکومت و به طور کلی اداره‌ی امور جامعه و کشور، امر عموم تلقی می‌شود و نه در انحصار فردی، دسته‌ای، شورایی، حزبی، طبقه‌ای و یا نمایندگانی. جمهوری، در تعریف متعرف آن، یعنی حکومت قانون، استقلال سه قوای اجرایی، قانون‌گذاری و قضایی، یعنی انتخابی بودن مقامات کشوری برای مدتی محدود و معلوم، از رئیس‌جمهور تا نمایندگان مجلس و غیره. چون حافظ یکپارچگی و وحدت کشور، جمهوری مورد نظر ما تمرکزگرا نیست. جمهوری غیر متمرکز شرط همزیستی مسالمت‌آمیز مردمان مختلف ساکن ایران است. سرزمینی با اتنی‌ها، زبان‌ها و فرهنگ‌های گوناگون و با خواست‌های دموکراسی‌خواهانه و برابری‌طلبانه. شکل عدم تمرکز (خودمختاری، فدرالیسم، مجالس استانی و یا غیر...) را مردم ایران از راه دموکراتیک، با تشکیل مجلس مؤسسان تعیین و تبیین خواهند کرد.

درس دوم: ضرورت تشکیل‌یابی جنبش داخل با اتکا به نیروی خود.

جنبش‌های اجتماعی نوین امروزی، چه در جهان و چه در ایران، تحزب سنتی را رد و نفی می‌کنند. این گونه تحزب و شکل سازماندهی عموماً هی‌رارشیک، قدرت‌طلب و اقتدارگراست. اما جنبش‌های امروزی در پی ابداع شکل‌های جدید و متفاوتی از سازماندهی خود برای تغییرات بنیادی اجتماعی می‌باشند. چنین امری، به‌ویژه در فقدان دموکراسی و آزادی، مانند شرایط امروز ایران، البته کاری بس دشوار است، اما ناممکن نیست. این تشکیل‌یابی‌های نوین می‌خواهند به صورت جنبشی، افقی، شبکه‌ای و غیرسلسله‌مراتبی عمل نمایند. دموکراتیک، مستقل از دولت، احزاب و قدرت‌ها باشند. خودمختار و خودگردان باشند. متکی بر مجمع عمومی باشند. یعنی هم‌زمان هم خود تصمیم گیرنده باشند و هم خود اجرا کننده. این تشکیل‌یابی‌های نوین رهبری‌های خودساخته و از بالا را

بر نمی‌تابند. قیومیت آن‌ها را نمی‌پذیرند.

پرسش اصلیِ امروزی این است: خیزش‌ها و جنبش‌های اجتماعی ضدسیستمی کنونی، با خصوصیاتی که نام بردیم، چگونه قادر به ایجاد تغییرات اساسی اجتماعی خواهند شد؟ اکنون ما پاسخی هنوز برای این پرسش نداریم. در تجربه و عمل و با درس‌گیری از کمبودها و نارسایی‌های خود است که این خیزش‌ها و جنبش‌ها قادر خواهند شد راه‌کارهایی مناسب بیابند. با این حال از نظر من چند باور را می‌توان از هم اکنون به صورت اثباتی بیان کرد. این که این خیزش‌ها و جنبش‌ها از راه اتکا به نیروی خود و مستقل از دولت، قدرت‌ها و احزاب قدرت‌طلب و اقتدارگرا می‌توانند تعیین‌کننده شوند. از راه تداوم و گسترش مبارزات خود. از راه پایداری و پایبندی به امر آزادی، دموکراسی، پلورالیسم و چندگانگی هم به طور کلی در میدان مبارزات اجتماعی و هم به طور خاص در روابط و زندگی درون خود. از راه مسالمت‌آمیز و پرهیز از قهر، خشونت و حذف مخالفان. از راه پذیرش و به رسمیت شناختن اختلافها و تضادهای درون خود. از راه نفی و رد ایدئولوژی‌های توتالیتر، ناسیونالیستی، اقتدارگرا و قدرت‌طلب. سرانجام از راه پیوند و هم‌سو کردن خود زیر خواست‌های ایجابی و اثباتی. و این‌ها همه با تشکیل‌پذیری خود به دست خود، در خودمختاری، خودگردانی و خودسازماندهی.

درس سوم: ضرورت همکاری جمهوریخواهان خارج کشور در همبستگی با جنبش داخل.

مهم‌ترین، اگر نه تنها، وظیفه‌ی جریان‌های اپوزیسیونی خارج از کشور همبستگی عملی و معنوی با جنبش داخل کشور است. اینان، از هر دسته و گرایشی، بهتر است دنبال سراب نروند. یعنی چنگ زدن به سیاست‌های آلترناتیو سازی در خارج از کشور و رهبری جنبش داخل از خارج از کشور، که توهمی بیش نیست. تلاش‌های بیهوده برای ایجاد "بدیل" و "رهبری" خود ساخته، کاذب و به دور از جامعه و مبارزات

عینی داخل کشور، فرجامی ندارند جز ایجاد وابستگی به قدرتهای خارجی و منحرف کردن اپوزیسیون خارج از کشور از وظیفه اصلی‌اش.

این وظیفه اصلی، یعنی ایجاد همبستگی بین‌المللی با جنبش داخل کشور و گسترش هر چه بیشتر آن، می‌تواند از راه فراخواندن نهادهای انجمن‌ها و نیروهای دموکراتیک و مترقی جهان صورت پذیرد. با برگزاری کارزارهای اعتراضی علیه جمهوری اسلامی و سیاست‌های ضدبشری آن. در همین راستا، اپوزیسیون خارج کشور باید در جهت انزوای هر چه بیشتر جمهوری اسلامی در جامعه جهانی گام بردارد. خواست‌های کنکرتنی را مطرح کند. برای تحقق آنها، دولت‌ها، پارلمان‌های دموکراتیک و نهادهای بین‌المللی را مورد خطاب و زیر فشار قرار دهد. از جمله به خواست‌های زیر می‌توان اشاره کرد:

- 1- افزایش بسته‌های تحریمی با هدف تشدید فشار بر رژیم اسلامی و عوام‌لش و نه بر مردم.
- 2- کاهش همکاری‌های اقتصادی و تجاری با جمهوری اسلامی متناسب با تشدید نقض حقوق بشر در ایران.
- 3- قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی.

یکی دیگر از وظایف مهم جمهوری‌خواهان دموکرات در خارج از کشور، ایجاد همکاری و همگرایی میان خود است. از دید من، همکاری و همگرایی تنها می‌تواند در بین روندهای نزدیک به هم به لحاظ سیاسی، نظری و سبک کاری صورت پذیرد. زیرا همکاری و همگرایی با پاره‌ای از جریان‌های سیاسی، حتا با آنها که ادعای ترقی‌خواهی، چپ و یا جمهوری‌خواهی دارند، مقدور نیست. چون اینان اقتدارطلبانند. نه جمهوری‌خواه، نه دموکرات و نه آزادیخواه‌اند. از سوی دیگر، در خارج از کشور، امر همکاری و همگرایی جمهوری‌خواهان نزدیک به هم و همسو نیز تنها در راستای وظیفه اصلی آنها یعنی پشتیبانی عملی و فکری از جنبش

داخل کشور می‌تواند معنا داشته و تأثیرگذار باشد. در این مورد، می‌توان 7 اصل اساسی زیر را شرط همکاری و همگرایی جمهوری‌خواهان ایران در خارج از کشور قرار داد:

۱- پایبندی به سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران در تمامیت‌اش و نه امکان اصلاح و ترمیم آن؛

۲- طرفداری از آزادی، جمهوری، دموکراسی و جدایی دولت و دین؛

۳- برابری زن و مرد؛

۴- پایبندی به اعلامیه جهانی حقوق بشر و پیوسته‌های آن، لغو مجازات اعدام؛

۵- برابر حقوقی اتنی‌های مختلف ساکن ایران و عدم تبعیض.

۶- استقلال و یکپارچگی ایران با به رسمیت شناختن چندگانگی و تنوع زبانی، اتنیکی و فرهنگی مردمان ساکن کشور.

۷- عدم وابستگی به قدرتهای خارجی.

باشد که همکاری جمهوری‌خواهان خارج از کشور، در پرتو مبانی بالا، بتواند نقش خود را در همبستگی با جنبش‌های خواهان داخل کشور هر چه بهتر، بیشتر و کارآمدتر ایفا کند.

شیدان وثیق

ژوئن 2023 - خرداد 1402

Web site : www.chidan-vassigh.com

تظاهرات عظیم ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی در بروکسل



در روز دوشنبه 20 فوریه 2023 برابر با اول اسفند 1401 شمار زیادی از ایرانیان مقیم اروپا (نزدیک به 10 هزار نفر) همزمان با نشست وزرای خارجه اتحادیه اروپا در بروکسل مقابل شورای اتحادیه اروپا علیه جمهوری اسلامی دست به تظاهرات زدند.

یکی از خواسته‌های اصلی تظاهرکنندگان افزودن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به فهرست سازمان‌های تروریستی اتحادیه اروپاست.

فراخوان این تظاهرات از سوی حامد اسماعیلیون، مسیح علی‌نژاد و دریا صفایی، از چهره‌های شاخص مخالف جمهوری اسلامی داده شده بود.

پیام شیرین عبادی، وکیل سرشناس مدافع حقوق بشر در این تظاهرات پخش شد. او در این پیام با اشاره به کشتار جمعه خونین زاهدان و اعدام‌ها و ترورهای که تا کنون جمهوری اسلامی در خارج از کشور انجام داده کشورهای اروپایی را مورد انتقاد قرار داد که اگر تا حالا به دلیل "بوی نفت"، "بوی خون را در ایران استشمام" نکرده بودند، اینک جنبش "زن، زندگی، آزادی" آنها را "مجبور" به شنیدن صدای مردم ایران کرده است. او گفت: «پایه‌های جمهوری اسلامی در خون مردم است».

حامد اسماعیلیون، سخنگوی انجمن خانواده‌های جان‌باختگان هواپیمای اوکراینی طی سخنرانی در این تجمع سپاه پاسداران را "هیولای سیاسی و اقتصادی و امنیتی" نامید و آن را مسئول سرکوب و کشتار مردم در ایران خواند. او با اشاره به فهرستی از نهادهایی که مستقیم یا غیرمستقیم با سپاه در ارتباط هستند و همچنین یادآوری گروه‌های شبه‌نظامی در منطقه نظیر حشدالشعبی و حزب‌الله به عنوان "بازوی سپاه" در عراق و لبنان خواستار گنجاندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست تروریستی اتحادیه اروپا شد.

متن بالا بخشاً از دویچه وله فارسی برگرفته شده است.

اول اسفند 1401 - 20 فوریه 2023

هواداران
جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران، به روال همیشگی شرکت در تظاهرات ایرانیان آزادیخواه در خارج از کشور علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران، و در زیر سه شعار اصلی ایجابی خود یعنی: نه به دیکتاتوری! آری به دموکراسی، نه به دین‌سالاری! آری به لائیسیته!، نه به پادشاهی! آری به جمهوری، در این گردهمایی حضور داشتند و همبستگی خود را با خواست‌های این تظاهرات و با خیزش انقلابی زن زندگی آزادی در ایران اعلام نمودند.

ویدئوها و عکسهای تظاهرات بروکسل

<http://nedayeazady.org/wp-content/uploads/2023/02/manif-20-f%C3%A9vrier-Bruxelles-2.mp4>

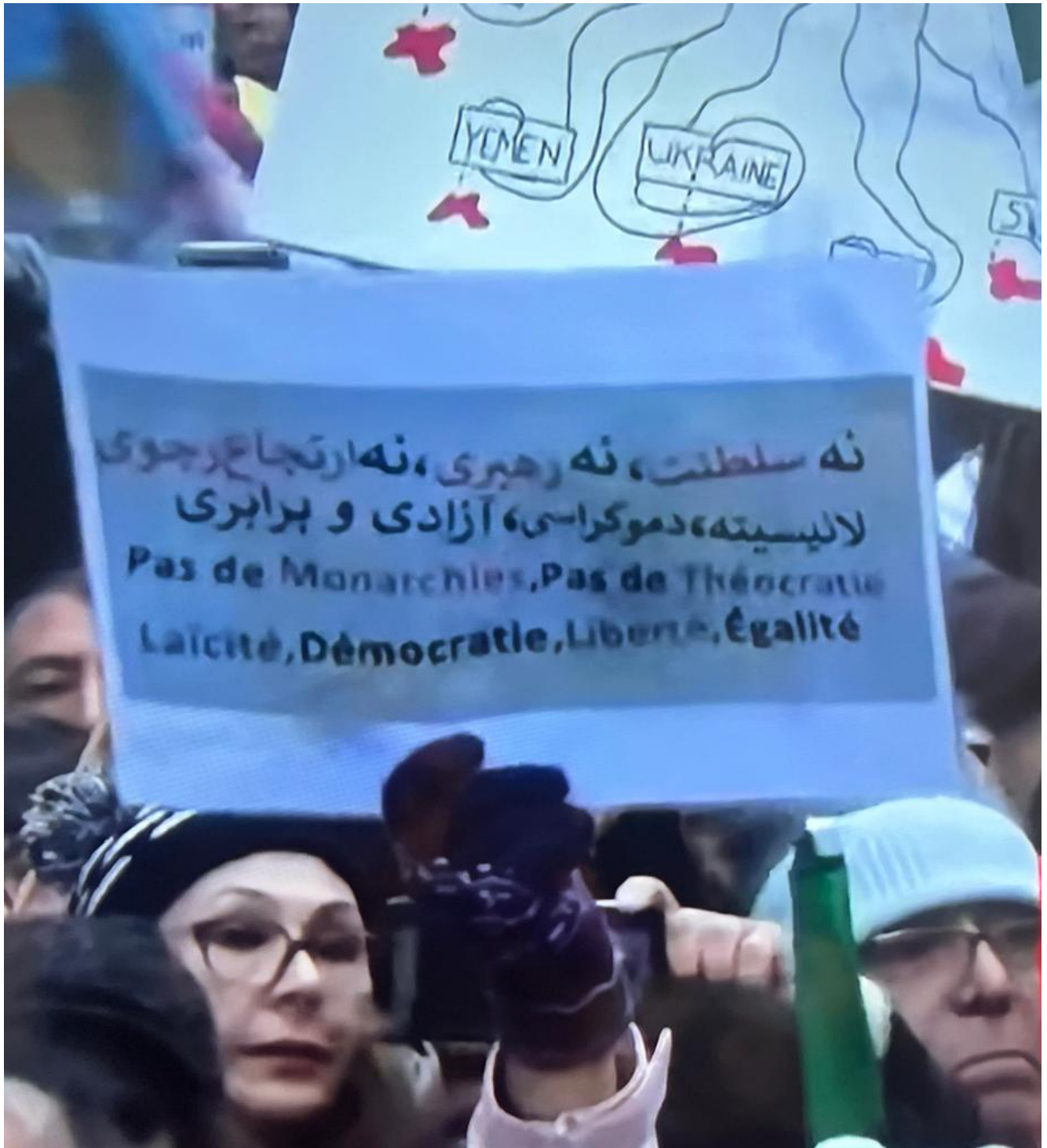
<http://nedayeazady.org/wp-content/uploads/2023/02/manif-20-f%C3%A9vrier-Bruxelles-1.mp4>

<http://nedayeazady.org/wp-content/uploads/2023/02/manif-20-f%C3%A9vrier-Bruxelles-4.mp4>

<http://nedayeazady.org/wp-content/uploads/2016/08/manif-20-f%C3%A9vrier-Bruxelles-6.mp4>

<http://nedayeazady.org/wp-content/uploads/2023/02/manif-20-f%C3%A9vrier-Bruxelles-5.mp4>





منشور مطالبات حداقلی



۲۰ تشکل صنفی و مدنی ایران، با امضای منشوری دوازده ماده ای برنامه ای حداقلی خود برای ادامه ی اعتراضات را اعلام کردند

در چهل و چهارمین سالروز انقلاب پنجاه و هفت، شیرازه اقتصادی و سیاسی و اجتماعی کشور به چنان گردابی از بحران و از هم گسیختگی فرو رفته است که هیچ چشمانداز روشن و قابل حصولی را نمیتوان برای پایان دادن به آن در چهارچوب روبنای سیاسی موجود متصور بود. هم از این رو است که مردم ستمدیده ایران _ زنان و جوانان آزادیخواه و برابری طلب _ با از جان گذشتگی کم نظیری خیابانهای شهرها را در سراسر کشور به مرکز مصافی تاریخی و تعیین کننده برای خاتمه دادن به شرایط ضد انسانی موجود تبدیل کرده اند و از پنج ماه پیش - به رغم سرکوب خونین حکومت - لحظه ای آرام نگرفته اند.

پرچم اعتراضات بنیادینی که امروز به دست زنان، دانشجویان، دانش آموزان، معلمان، کارگران و دادخواهان و هنرمندان، کوئیرها،

نویسندگان و عموم مردم ستم‌دیده ایران در جای جای کشور از کردستان تا سیستان و بلوچستان برافراشته شده و کم سابقه‌ترین حمایت‌های بین‌المللی را به خود جلب کرده، اعتراضی است علیه زن ستیزی و تبعیض جنسیتی، ناامنی پایان ناپذیر اقتصادی، بردگی نیروی کار، فقر و فلاکت و ستم طبقاتی، ستم ملی و مذهبی، و انقلابی است علیه هر شکلی از استبداد مذهبی و غیرمذهبی که در طول بیش از یک قرن گذشته، بر ما - عموم مردم ایران - تحمیل شده است.

این اعتراضات زیر و رو کننده، برآمده از متن جنبش‌های بزرگ و مدرن اجتماعی و خیزش نسل شکست ناپذیری است که مصمم‌اند بر تاریخ یکصد سال عقبماندگی و در حاشیه ماندن آرمان بر پای جامعه ای مدرن و مرفه و آزاد در ایران، نقطه پایانی بگذارند.

پس از دو انقلاب بزرگ در تاریخ معاصر ایران، اینک جنبش‌های بزرگ اجتماعی پیشرو - جنبش کارگری، جنبش معلمان و بازنشستگان، جنبش برابری خواهانه زنان و دانشجویان و جوانان و جنبش علیه اعدام و... - در ابعادی توده‌ای و از پایین در موقعیت تاثیرگذاری تاریخی و تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به ساختار سیاسی و اقتصادی و اجتماعی کشور قرار گرفته‌اند.

از همین رو، این جنبش برآن است تا برای همیشه به شکل‌گیری هرگونه قدرت از بالا پایان دهد و سر آغاز انقلابی اجتماعی و مدرن و انسانی برای رهایی مردم از همه اشکال ستم و تبعیض و استثمار و استبداد و دیکتاتوری باشد.

ما تشکل‌ها و نهادهای صنفی و مدنی امضا کننده این منشور با تمرکز بر اتحاد و به هم پیوستگی جنبش‌های اجتماعی و مطالباتی و تمرکز بر مبارزه برای پایان دادن به وضعیت ضدانسانی و ویرانگر موجود، تحقق خواست‌های حداقلی زیر را به مثابه اولین فرامین و نتیجه‌ی اعتراضات بنیادین مردم ایران، یگانه راه پی افکنی ساختمان جامعه‌ای نوین و مدرن و انسانی در کشور می‌دانیم و از همه انسان‌های شریف که دل درگرو آزادی و برابری و رهایی دارند می‌خواهیم از کارخانه تا دانشگاه و مدارس و محلات تا صحنه جهانی پرچم این مطالبات حداقلی را بر بلندای قله رفیع آزادیخواهی برافراشته دارند.

۱. آزادی فوری و بی‌قید و شرط همه زندانیان سیاسی، منع جرم انگاری فعالیت سیاسی و صنفی و مدنی و محاکمه علنی آمرین و عاملین سرکوب اعتراضات مردمی.

۲. آزادی بی‌قید و شرط عقیده، بیان و اندیشه، مطبوعات، حزب، تشکلهای محلی و سراسری صنفی و مردمی، اجتماعات، اعتصاب، راهپیمایی، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های صوتی و تصویری.

۳. لغو فوری صدور و اجرای هر نوع مجازات مرگ، اعدام، قصاص و ممنوعیت هر قسم شکنجه روحی و جسمی.

۴. اعلام بلادرنگ برابری کامل حقوق زنان با مردان در تمامی عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و خانوادگی، امحا و لغو بی‌قید و شرط قوانین و فرم‌های تبعیض آمیز علیه تعلقات و گرایش‌های جنسی و جنسیتی، به رسمیت شناختن جامعه‌ی رنگین‌کمانی "ال‌جی‌بی‌تی‌کیو‌آی‌ای‌پلاس"، جرم زدایی از همه تعلقات و گرایش‌های جنسیتی و پایبندی بدون قید و شرط به تمامی حقوق زنان بر بدن و سرنوشت خود و جلوگیری از اعمال کنترل مردسالارانه.

۵. مذهب امر خصوصی افراد است و نباید در مقدرات و قوانین سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور دخالت و حضور داشته باشد.

۶. تامین ایمنی کار، امنیت شغلی و افزایش فوری حقوق کارگران، معلمان، کارمندان و همه زحمتکشان شاغل و بازنشسته با حضور و دخالت و توافق نماینده‌های منتخب تشکلهای مستقل و سراسری آنان.

۷. امحا قوانین و هر گونه نگرش مبتنی بر تبعیض و ستم ملی و مذهبی و ایجاد زیر ساخت‌های مناسب حمایتی و توزیع عادلانه و برابر امکانات دولتی برای رشد فرهنگ و هنر در همه مناطق کشور و فراهم کردن تسهیلات لازم و برابر برای یادگیری و آموزش همه زبان‌های رایج در جامعه.

۸. بر چیده شدن ارگان‌های سرکوب، محدود کردن اختیارات دولت و دخالت مستقیم و دائمی مردم در اداره امور کشور از طریق شوراهای محلی و سراسری. عزل هر مقام دولتی و غیر دولتی توسط انتخاب کنندگان در هر زمانی باید جزو حقوق بنیادین انتخاب کنندگان باشد.

۹. مصادره اموال همه اشخاص حقیقی و حقوقی و نهادهای دولتی و شبه دولتی و خصوصی که با غارت مستقیم و یا رانت حکومتی، اموال و ثروت‌های اجتماعی مردم ایران را به یغما برده‌اند. ثروت حاصل از این مصادره‌ها، باید به فوریت صرف مدرن سازی و بازسازی آموزش و پرورش، صندوق‌های بازنشستگی، محیط زیست و نیازهای مناطق و

اقشاری از مردم ایران شود که در دو حکومت جمهوری اسلامی و رژیم سلطنتی، محروم و از امکانات کمتری برخوردار بوده‌اند.

۱۰. پایان دادن به تخریب‌های زیست محیطی، اجرای سیاست‌های بنیادین برای احیای زیرساخت‌های زیست محیطی که در طول یکصد سال گذشته تخریب شده‌اند و مشاع و عمومی کردن آن بخش‌هایی از طبیعت (همچون مراتع، سواحل، جنگل‌ها و کوهپایه‌ها) که در قالب خصوصی سازی حق عمومی مردم نسبت به آن‌ها سلب شده است.

۱۱. ممنوعیت کار کودکان و تامین زندگی و آموزش آنان جدای از موقعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده. ایجاد رفاه همگانی از طریق بیمه بیکاری و تامین اجتماعی قدرتمند برای همه افراد دارای سن قانونی آماده به کار و یا فاقد توانایی کار. رایگان سازی آموزش و پرورش و بهداشت و درمان برای همه مردم.

۱۲. عادی سازی روابط خارجی در بالاترین سطوح با همه کشورهای جهان بر مبنای روابطی عادلانه و احترام متقابل، ممنوعیت دستیابی به سلاح اتمی و تلاش برای صلح جهانی.

از نظر ما مطالبات حداقلی فوق با توجه به وجود ثروت‌های زیر زمینی بالقوه و بالفعل در کشور و وجود مردمی آگاه و توانمند و نسلی از جوانان و نوجوانانی که دارای انگیزه فراوان برای برخورداری از یک زندگی شاد و آزاد و مرفه هستند، به فوریت قابل تحقق و اجراست.

مطالبات مطروحه در این منشور، محورهای کلی مطالبات ما امضا کنندگان را لحاظ و بدیهیست در تداوم مبارزه و همبستگی خود به صورت ریز و دقیق‌تری به آنها خواهیم پرداخت.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران
اتحادیه آزاد کارگران ایران
اتحادیه تشکلهای دانشجویی دانشجویان متحد
کانون مدافعان حقوق بشر
سندیکای کارگران شرکت نیشکرهفت تپه
شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت
خانه فرهنگیان ایران (خافا)
بیدارزنی
ندای زنان ایران
صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد اهواز

کانون مدافعان حقوق کارگر
انجمن صنفی کارگران برق و فلز کرمانشاه
کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری
اتحاد بازنشستگان
شورای بازنشستگان ایران
تشکل دانشجویان پیشرو
شورای دانش آموزان آزاد اندیش ایران
سندیکای نقاشان استان البرز
کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری ایران
شورای بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی (بستا)